

## بررسی نقش «لمپن»ها در انتخابات و بلواهای دوره‌های

### هفدهم و هجدهم مجلس شورای ملی

علی‌اکبر جعفری

استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

مینا معینی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ

بهناز قائدشرفی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ



#### چکیده

بررسی تاریخ سیاسی - اجتماعی معاصر ایران و به‌ویژه بعد از برپایی نظام مشروطه، واقعیت تلخی را به نمایش می‌گذارد. در این شرایط که نظام مبتنی بر قانون، در ایران حاکم شد، حوادث و وقایعی رخ داد که عامل اصلی آن، ماهیت استبدادی و ابزار آن، گروه‌ها و افرادی بودند که در پایین‌ترین رده‌های اجتماعی قرار داشتند. در واقع، عدم پذیرش واقعی نظام مشروطه از سوی آخرین شاهان قاجاری و سپس پهلوی‌ها، موجب شد تا زمینه برای بهره‌برداری ایشان از گروه‌هایی که عنوان «لمپن» دارند، فراهم شود. لمپن‌ها بدون آنکه فایده‌ای برای جامعه خود داشته باشند، ابزار بسیار مناسبی در دست حاکمیت و جریان‌های سیاسی بودند تا با استفاده از آن‌ها به خواسته‌های خود برسند. دوران انتخابات و سپس عمر مجلس هفدهم و هجدهم شورای ملی، شاخصی برای بررسی نقش‌آفرینی لمپن‌ها در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. در این دوران که مصادف با حوادث مهمی در تاریخ ایران است، لمپن‌ها هم در ناامن کردن فضای انتخابات و تأثیرگذاری بر نتیجه آن و هم در ایجاد بلواهای اجتماعی در دوران حیات مجلس مذکور، نقش مؤثری داشتند که بنابر اهمیت موضوع، در این مقاله مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سؤال اصلی این پژوهش، این است که «لمپن‌ها چه نقشی در فضای انتخاباتی مجلس هفدهم و هجدهم شورای ملی و بلواهای دوران این مجالس داشته‌اند؟» برای پاسخ به این سؤال، این فرضیه به آزمون گذاشته شده است که «لمپن‌ها ابزار ناکارآمدی انتخابات و ایجاد بلواهای مصادف با مجلس هفدهم و هجدهم شورای ملی بوده‌اند». یافته‌های این پژوهش اثبات می‌نماید که این گروه‌ها موجب شدند تا با کمترین هزینه، بزرگترین خسارات و آسیب‌ها بر نظام سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره معاصر وارد شود.

**کلیدواژه‌ها:** لمپن‌ها، انتخابات، مجلس هفدهم، مجلس هجدهم، کودتا.

بررسی تاریخ مجلس و نظام مشروطه در ایران، نشانگر فراز و فرودهای شدید در حیات این پدیده اجتماعی است. مجلس شورای ملی در تاریخ خود از اولین دوره تشکیل آن، پیوسته تحت تأثیر عوامل بحران‌زایی قرار داشته است. در این میان، تلاش برای تعطیلی یا بی‌اثر نمودن آن از طرق مختلف، مهم‌ترین بحرانی بوده که مجلس شورای ملی پیش روی خود داشته است. این بحران جدی و خطرناک فراروی نظام مبتنی بر قانون در قالب برنامه‌های مختلف پیاده شده است که از نظر زمان اجرا، شامل برنامه‌های پیش از انتخابات، روز انتخابات، پس از برگزاری انتخابات و در زمان تشکیل و فعالیت مجلس بوده است. ابزارهای قابل استفاده برای اجرای این برنامه‌ها نیز متعدد و متنوع بوده‌اند که یکی از مرسوم‌ترین‌های آن‌ها در تاریخ مجلس شورای ملی، استفاده از گروه‌های فشار و به‌ویژه لمپن‌ها محسوب می‌شود. از نظر آسیب‌پذیری ناشی از عملکرد لمپن‌ها، مجالس هفدهم و هجدهم شورای ملی را باید در صدر مجالس آسیب‌دیده ناشی از عوامل خارج مجلس دانست.

اگرچه ادوار متعددی از عمر مجلس شورای ملی به دلیل چگونگی شکل‌گیری و مشکلات فراروی و عملکرد، مهم و قابل توجه به نظر می‌رسند اما مجالس هفدهم و هجدهم شورای ملی که در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۱ تشکیل شدند، بی‌شک از ادوار بسیار مهم تاریخ مجلس به شمار می‌روند. دوره زمانی این دو مجلس، از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شوند. مجلس هفدهم میراث‌دار مجلس شانزدهم بود که با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و سپس طرح خلع ید و حمایت از دکتر مصدق و انتخابش به عنوان نخست‌وزیر، انقلابی‌ترین مجالس بود و مجلس هجدهم نیز محصول مستقیم کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محسوب می‌شد؛ به عبارت دیگر، در ابتدا و انتهای عمر این دو مجلس، چالش با دولت‌های سلطه‌جوی خارجی وجود داشت اما در اولی، کاهش سلطه و خلع ید و در دومی، تسلط و غلبه آن‌ها.

این دوره از تاریخ مجالس شورای ملی، مصداق بارزی از سلطه‌جویی و دخالت‌های استعماری سران و دولت‌های استکباری است که با استفاده از نیروهای وابسته داخلی خود و البته کسانی که در پایین‌ترین موقعیت اجتماعی قرار داشتند، موجبات تضعیف و ناکارآمدی مجلس را فراهم نمودند. این نیروها که در عنوان کلی «لمپن‌ها» تقسیم‌بندی شده‌اند، به گونه‌ای عمل کردند که تصاویر بسیار زشت و تیره‌ای از ایران آن روزگار به یادگار گذاشته شده است. متأسفانه دامن زدن و استفاده نمودن نهادهای قانونی داخلی نیز از این نیروها و حمایت‌های آشکار و پنهانی که از آن‌ها به عمل می‌آوردند، موجبات تأثیرگذاری بیشتر آن‌ها را بر ناکارآمدی مجلس فراهم نمود. نظر به اهمیت عملکرد این عده در چگونگی شکل‌گیری و فعالیت‌های مجالس هفدهم و هجدهم، در ادامه و به صورت تفصیلی، عملکرد آن‌ها مورد بازشناسی قرار می‌گیرد.

### لمپن‌ها در تاریخ معاصر ایران

لمپن‌ها اغلب شامل افراد رانده شده از طبقه، وازده و فاقد پیوند، جایگاه و هویت طبقاتی می‌شوند که شغل ثابت و درآمد معینی نیز ندارند.<sup>۱</sup> این عده در میان جامعه از اعتبار بسیار کمی برخوردارند و در پایین‌ترین رده‌های اجتماعی قرار می‌گیرند؛ به همین دلیل، مشروعیتی در جامعه ندارند زیرا عموماً با

۱. زاده محمدی، مجتبی، *لمپن‌ها در سیاست عصر پهلوی* (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵)؛ ص ۵.

ولگردی، دزدی، چاقوکشی و حتی با گدایی، فال‌گیری و در مواردی با فحشا و خودفروشی، کسب درآمد می‌کنند.<sup>۱</sup> این دست از اعمال و رفتار آن‌ها موجب شده تا به عنوان ارادل و اوباش، زمینه انجام هر امر خلافی را داشته باشند. این ویژگی لمپن‌ها موجب شده تا در مواردی از مسائل اجتماعی، از آن‌ها به عنوان گروه‌های فشار استفاده شود. اگرچه به طور طبیعی و عادی، لمپن‌ها جزو هیچ‌یک از دو دسته گروه‌های فشار مورد نظر گی‌روشه، یعنی گروه‌های شغلی و گروه‌های ایدئولوژیک قرار نمی‌گیرد<sup>۲</sup> اما در بررسی‌های جمالی تحولات معاصر ایران یکی از ابزارهایی محسوب می‌شوند که توسط گروه‌های دیگر به کار گرفته شده تا علیه سازمان‌ها و نهادها و یا جریانات و احزاب و حتی علیه افراد دست به اقدامی بزنند.

این عده در تمام زمان‌ها و مکان‌ها برای کارهای خود فرصت پیدا می‌کنند اما در مقاطعی که عملکرد دستگاه حاکم و اعمال قدرت از ناحیه قدرت حاکمه ضعیف شود، تأثیرگذاری لمپن‌ها در مسائل جامعه تشدید می‌شود. به همین دلیل، بعد از پیروزی انقلاب مشروطه و به‌ویژه به دلیل بحران‌هایی که تا دو دهه بعد از آن در ایران به وجود آمد و موجبات تضعیف دستگاه حاکمیت را به همراه داشت، نقش پررنگ لمپن‌ها در مسائل سیاسی - اجتماعی مشهود است. محمدعلی شاه قاجار در اقداماتش علیه مجلس و مشروطه‌خواهان از این گروه‌ها استفاده نمود و آن‌ها نیز با هتک حرمت مردم، کتک زدن آن‌ها، فحاشی، جیب‌بری و هجوم به مغازه‌ها زمینه لازم را برای اجرایی شدن خواسته‌های شاه قاجار فراهم می‌کردند.<sup>۳</sup> این عده حتی در یک نوبت، عربده‌کشان و دشنام‌گویان، مجلس را سنگباران کرده بودند.<sup>۴</sup> همین سوء استفاده‌های نسبتاً موفق دستگاه مستبد قاجاری از لمپن‌ها، موجب شد تا رضاخان سردار سپه و سپس نخست‌وزیر نیز به نحو مطلوب از آن‌ها استفاده نماید اگرچه پس از استقرار بر تخت پادشاهی، نه تنها از آن‌ها حمایت نکرد، بلکه زمینه‌های تضعیف و ناکارآمدی این طبقه بی‌پایگاه اجتماعی را نیز فراهم نمود.<sup>۵</sup> این مسئله موجب شد تا سقوط رضاشاه فرصت دوباره‌ای را برای فعال شدن لمپن‌ها فراهم کند؛ با این تفاوت محسوس که در این نوبت تقریباً در تمام شهرها می‌توان شاهد فعالیت آن‌ها و عربده‌کشی و تأثیرگذاری آن‌ها بر تحولات اجتماعی بود.

احیاء دوباره فرهنگ لمپنی در محلات پایین شهر تهران و گسترش آن در دیگر شهرها، علاوه بر دلایل داخلی، به‌ویژه سقوط حاکمیت مستبدانه رضاشاه و فراهم شدن شرایط باز در جامعه، ضعف و خامی شاه جدید و تحلیل رفتن توان و قدرت نهادهای نظامی و انتظامی، به مسائل خارجی و به‌ویژه حضور نیروهای متفقین و نیز برخی آوارگان جنگی نیز مربوط می‌شد. همین مسئله موجب شد تا لمپن‌ها در این مقطع حتی توسط نیروهای خارجی مستقر در ایران نیز به خدمت گرفته شوند. ذیلاً به نمونه‌هایی از نقش آفرینی

۱. طلوعی، محمد، فرهنگ جامع سیاسی (بی‌جا، انتشارات علم و سخن، ۱۳۷۲)؛ ص ۷۵۹. نیز: صدری افشار، غلامحسین و نسرین حکمی و نسترین حکمی، فرهنگ زبان فارسی امروز (تهران: نشر کلمه، ۱۳۶۹)؛ ص ۸۴۶.
۲. روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، چاپ دوازدهم)؛ صص ۱۳۶-۱۳۵.
۳. آبراهامیان، پرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و دیگران (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹، چاپ پنجم)؛ صص ۱۲۰-۱۱۹.
۴. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، چاپ پانزدهم)؛ ص ۵۰۵.
۵. زاده محمدی، همان؛ صص ۸۳-۸۲.

این افراد در حوادث و وقایع بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا زمان تشکیل مجلس هفدهم در اردیبهشت ۱۳۳۱،<sup>۱</sup> اشاره می‌شود:

- نقش آفرینی در آشوب ۱۷ آذر ۱۳۲۱ که با یک اعتراض ظاهراً ساده نسبت به فقر و گرسنگی و کمبود نان آغاز شد، اما در ادامه، با ورود به مجلس و ضرب و شتم دو تن از نمایندگان، شکستن درهای تالار عمومی مجلس و ورود به آن و استفاده از تریبون مجلس برای اعلام اعتراض خود، تخریب امکانات و شکستن میز و صندلی‌های اتاق‌های کمیسیون‌ها و پاره نمودن تابلوهای نفیس مجلس، صورت کاملی از اوباشی‌گری را به نمایش گذاشتند؛<sup>۲</sup>

- انجام فجیع‌ترین اعمال و رفتارهای غیراخلاقی، غیرانسانی و غیرقانونی در تبریز، اردبیل و به‌ویژه در زنجان در سال ۱۳۲۵ و در پی پایان یافتن غائله دموکرات‌ها در آذربایجان؛<sup>۳</sup>

- به کار گرفته شدن آن‌ها توسط احزاب و گروه‌های سیاسی جدید و خرابکاری و ویرانگری آن‌ها در قالب دفاع از اهداف و برنامه‌های احزاب؛<sup>۴</sup> همین مسئله موجب ورود آن‌ها به عرصه‌های سیاسی، به‌ویژه نقش آفرینی فعال آن‌ها در امور مربوط به مجلس و به‌ویژه انتخابات شد. در این مورد حتی گفته شده که در انتخابات مجلس پانزدهم، قوام با کمک همین لمپن‌ها وارد عرصه‌های انتخاباتی شد؛<sup>۵</sup>

- فعال شدن حضور و نقش آن‌ها در جریان انتخابات، به‌ویژه در انتخابات مجلس شانزدهم به گونه‌ای که ایشان حتی کنترل حوزه‌های انتخاباتی را در تهران در دست گرفته بودند و افرادی که به نظرشان مشکوک می‌آمدند را با فحاشی و کتک از حوزه‌ها بیرون می‌نمودند؛ همانند نمونه‌ای که در مسجد حاج حسن رخ داد؛<sup>۶</sup>

- نقش آفرینی مؤثر در حوادثی هم‌چون ۲۳ تیر ۱۳۳۰ و ۱۴ آذر ۱۳۳۰.<sup>۷</sup>

و ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. شجیعی، زهرا، *نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانون‌گذاری* (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴)؛ ص ۱۶۶.

۲. آبراهامیان، همان؛ ص ۲۲۵.

۳. زاده‌محمدی، همان؛ صص ۹۹-۹۶.

۴. همان؛ ص ۱۰۰.

۵. نجمی، ناصر، *خاطرات سیاسی (حوادث تاریخی ایران از شهریور ۲۰ تا مرداد ۳۲)* (بی‌جا: کلینی، ۱۳۷۰)؛ صص ۱۰۹-۱۰۷.

۶. عراقی، مهدی، *ناگفته‌ها*، به کوشش محمود مقدّسی و دیگران (تهران: رسا، ۱۳۷۰)؛ صص ۴۴-۴۳.

۷. زاده‌محمدی، همان؛ صص ۱۱۹-۱۲۲ و ۱۲۴-۱۲۸. در این دو حادثه که به نوعی با فراخوان حزب توده، تجمّع و راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز شکل گرفته است، ورود لمپن‌ها به معرکه کاملاً دیده می‌شود. نمایندگان مجلس در جلسه ۱۷ آذر نسبت به وقایع ۱۴ آذر به‌شدت اعتراض نمودند و از وزیر کشور و رئیس شهربانی به عنوان محرّکین ضرب و قتل و چپاول و استخدام‌کننده رتاله و چاقوکش یاد نمودند. (نک: موحد، محمدعلی، *خواب آشفته نفت؛ دکتر مصدّق و نهضت ملی ایران*، ج ۱ (تهران: نشر کارنامه، ۱۳۷۸)؛ ص ۲۹۳).

یک نکته مهم در این زمینه، استفاده افراد و گروه‌های متعدّد، از قدرت این لمپن‌ها به عنوان گروه‌های فشار بود. شاه و درباریان، نخست‌وزیر<sup>۱</sup> و وزراء، نمایندگان مجلس و رؤسای احزاب<sup>۲</sup> و در مواردی حتی هیئت‌های مذهبی نیز برای پیشبرد اهداف خود از این افراد استفاده می‌نمودند. این مسئله به‌ویژه در دوره حیات مجلس شانزدهم آن‌چنان زیاد شد که نمایندگان این دوره از مجلس، بارها در نطق‌های خود از آن یاد نموده و زمانی که بحث انتخابات مجلس هفدهم پیش آمد، با دید انتقاد و تردید نسبت به عملکرد دولت نگرسته و در مواردی حتی به صراحت از استفاده دولتیان از لمپن‌ها پرده برداشته و مجلس آینده را مجلسی مبتنی بر نظریه‌های دکتر مصدّق، و نمایندگانش را، راه‌یافتگان از طریق فشار و اجبار پیش‌بینی می‌نمودند که از بلایای ناشی از حمایت از لمپن‌ها محسوب می‌شد.

آشتیانی‌زاده، نماینده ایوانکی در مجلس شانزدهم در تاریخ پنجم آذر ۱۳۳۰ که دویست و هفتمین جلسه این دوره مجلس بود، در این مورد گفت:

آقایان ملاحظه می‌کنید که در شهر تهران و زیر نظر مجلس، روزی نیست که یک عده چاقوکش تحت حمایت کارآگاهان و پلیس‌های مسلح شهربانی، به جان فرزندان جوان مردم در جلو مدارس نریزند. روزی نیست که عده‌ای از همین قبیل، با چاقو، جوان‌های مردم را مجروح و مضرّب نکنند... .

او در ادامه می‌گوید:

این تظاهرات وحشیانه و پرخاش‌جویانه خشن دولتی بر ضد جوان‌های معصوم که در تمام شهرها و نقاط مملکت شروع شده است، آیا وسیله دخالت چاقوکش‌ها در انتخابات سرتاسر ایران خواهد شد؟ بدون هیچ‌گونه تردیدی، دولت با دست شهربانی و چاقوکش‌ها به عنوان «توده» و «صلح‌جو» می‌خواهد زمینه را برای یک ترور خشن در موقع انتخابات آماده کند.<sup>۳</sup>

قاسم فولادوند، نماینده بروجد نیز در دویست و دوازدهمین جلسه مجلس شانزدهم در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۳۰، رسماً دولت مصدّق را به استفاده کردن از لمپن‌ها متهم نموده و مورد سؤال قرار می‌دهد و می‌گوید:

جناب آقای حکیم‌الدوله، این جزائی است که من می‌گیرم که فحش پدر بخورم. چاقوکش‌های ایشان، من و برادرم را چنان تهدید می‌کنند که قادر به بیرون آمدن از خانه نباشیم، ما چه کردیم؟

او در ادامه می‌گوید:

مجلس را به صورتی درآورده‌اند که دو چاقوکش، تمام مجلس را مرعوب کرده؛ این است مشروطیت؟<sup>۴</sup>

شوشتری جزایری، نماینده استرآباد در مجلس شانزدهم نیز در تاریخ ۲۶ آذرماه ۱۳۳۰ به نکات مهمی در این رابطه اشاره می‌کند. او در سخنان خود، حاصل هشت ماه بی‌توجهی شاه به امور مملکت را تشکیل حکومت‌های خودمختار و تأسیس بنگاه‌های تربیت و تشجیع اشرار و چاقوکشان اعلام کرد. او هم‌چنین شهربانی را عامل محرکه همین لمپن‌ها دانسته و تأکید می‌کند انتخابات مجلس هفدهم تحت تأثیر این جو

۱. در یک گزارش، از تحصن عده‌ای از مدیران جراید، به حمایت از مصدّق در مجلس سخن گفته شده که در این میان، در حوضخانه مجلس نیز از لمپن‌هایی هم‌چون شعبان جعفری، غلام دده، رمضان یخی و دیگر چاقوکشان پذیرایی می‌شده است. (نک: بهنود، مسعود، از سیدضیاء تا بختیار (بی‌جا، نشر جاویدان، ۱۳۶۹، چاپ سوم)؛ ص ۳۴۲).

۲. نک: بهنود، همان؛ ص ۳۴۲.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دوره شانزدهم، جلسه ۱۹۸۰، (۱۲ آذر ۱۳۳۰).

۴. همان، جلسه ۱۹۹۲ (۲۷ آذر ۱۳۳۰).

قرار گرفته است؛ لذا اظهار می‌دارد: «ما اعلام می‌کنیم که در دوره هفده، با این جریان اگر صورت پذیرد، قوانین آن پوچ، و قابل اجرا نیست<sup>۱</sup>». این گزارش‌ها، واقعیت‌هایی را از حضور پررنگ و مؤثر لمپن‌ها در حوادث این دوره از تاریخ مجلس شورای ملی نشان می‌دهد؛ موضوعی که به منظور تحلیل دقیق‌تر، به صورت تفکیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### لمپن‌ها و مجلس هفدهم شورای ملی

مجلس هفدهم شورای ملی در زمانی تشکیل شد که تشنج‌های سیاسی داخلی وجود داشت. این تشنج‌ها، بحران عظیمی برای این نهاد قانون‌گذاری محسوب می‌شد؛ به گونه‌ای که به دلیل همین مسئله، انتخابات این دوره از مجلس، با مشکل جدی و اساسی روبه‌رو شد و از ۱۳۶ کرسی نمایندگی، تنها ۷۹ کرسی صاحب نماینده شد و مابقی آن‌ها خالی ماند.<sup>۲</sup> در واقع، انتخابات این دوره از مجلس، در ۴۲ درصد از حوزه‌های انتخابات به دلیل تشنج‌های سیاسی و گروه‌های متنفذ، با ناکامی همراه بود و تا پایان عمر غیرطبیعی مجلس، معوق باقی ماند.<sup>۳</sup> بخشی از این گروه‌های متنفذ، همان لمپن‌ها بودند که در شرایط جدید، از کانون‌های تأثیرگذار در مسائل سیاسی نیز محسوب می‌شدند. به همین دلیل، به گفته برخی، هیچ انتخاباتی مفتضح‌تر از انتخابات مجلس هفدهم نبوده است.<sup>۴</sup> هم‌چنین یکی از فعالان آن دوره انتخابات، در این مورد نوشته است:

... رسوائی و افتضاحات زیادی در جریان آن مشاهده گردید که قدرت، پول و زور، هو و جنجال، بند و بست و تقلب و چاقوکشی و تهدید، چهره آن انتخابات را سیاه‌تر از انتخابات ادوار قبل نشان می‌داد. او در ادامه، مدعی است:

اوباش نگذاشتند که هزارها رأی مردم به صندوق‌ها برسد و چندین هزار رأی مردم نیز از نزدیک صندوق‌ها به وسیله چاقوکشان و دستجات منسوب به افراد اکثریت وابسته و سرمایه‌داران، خراب و تباه گردید؛ چراکه آن‌ها را به هنگام اخذ رأی عوض می‌کردند.<sup>۵</sup>

این مشکل انتخابات مجلس هفدهم آن‌چنان مهم بود که از مدت‌ها قبل از انتخاب، سوژه اصلی روزنامه‌ها شد و تا مدت‌ها پس از پایان انتخابات نیز علاوه بر روزنامه‌ها، مورد نظر و تأکید در نطق نمایندگان و پیامد آن، به طول انجامیدن بررسی و تأیید اعتبارنامه‌ها بود. میراشرفی، نماینده مشکین‌شهر در این مجلس، در یازدهمین جلسه رسمی مجلس هفدهم به این امر اعتراف می‌کند و می‌گوید:

امروز، آقایان! چهل روز است که مجلس تشکیل شده است... ما نمی‌خواهیم که اینجا بنشینیم و تا ۵۰ روز دیگر راجع به اعتبارنامه‌ها صحبت بکنیم... الآن چهل روز است داریم راجع به اعتبارنامه‌ها صحبت می‌کنیم.<sup>۶</sup>

۱. نک: روزنامه اطلاعات، سال ۲۶، ش: ۷۶۹۲ (۲۶ آذر ۱۳۳۰).

۲. سیری در ۲۴ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی و دولت‌های هم‌زمان با آن (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)؛ ص ۷۸.

۳. شجیعی، همان؛ ص ۱۶۶.

۴. رهبر، سعید، نگاهی به نهضت ملی ایران (نقد خاطرات شعبان جعفری) (تهران: هیرمند، ۱۳۸۳)؛ ص ۲۴.

۵. نجمی، ناصر، از سیدضیاء تا بازرگان (دولت‌های ایران از کودتای ۱۲۹۹ تا آذر ۱۳۵۸)، ج ۲ (بی‌جا: نشر نویسنده، ۱۳۷۰)؛ ص ۱۲۸۱.

۶. مشروح مذاکرات مجلس، دوره هفدهم، جلسه ۲۱۴۲ (۲۰ خرداد ۱۳۳۱).

گزارش‌های روزنامه‌های آن دوره، به‌خوبی فضای رعب و تهدیدی که عمدتاً با استفاده از شیوه‌های لمپنی و یا با استفاده از این گروه‌ها اعمال می‌شده را نشان می‌دهد. روزنامهٔ چهلستون که تنها یک روزنامهٔ محلی محسوب می‌شد، از بهمن ۱۳۳۰ و در آستانهٔ انتخابات این مجلس، گزارش‌های ظریفی را از تأثیر فرهنگ لمپنی بر انتخابات ارائه می‌نماید. چکیدهٔ برخی گزارش‌های او را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:

- گزارش وجود سلاح‌های گرم و سرد همراه مبارزین انتخابات و متوسل شدن به این وسائل توسط آن‌ها در مواردی؛<sup>۱</sup>

- تأکید بر داغ بودن بازار چاقوکشان و پهلوانان در انتخابات مجلس هفدهم؛<sup>۲</sup>

- پیش‌بینی زد و خورد در انتخابات اصفهان هم‌چون انتخابات یزد و نائین و رشت و در نتیجه معلوم نبودن تعیین نمایندگان؛<sup>۳</sup>

- تأیید سخنان دکتر مصدق مبنی بر نقش پول و زور اسلحه و چاقوکشی در خرید رأی و تأثیرگذاری بر انتخابات.<sup>۴</sup>

این روزنامه در شمارهٔ ۲۹ خود که در ۲۵ فروردین ۱۳۳۱ منتشر شده، در مورد وضعیت انتخابات در ایران - که ناظر بر انتخابات مجلس هفدهم است - می‌نویسد:

مبارزه‌های انتخاباتی در کشور ما فعلاً به این صورت است که جمعی ارادل و اوباش را به نام دار و دسته گرد هم جمع می‌کنند و احیاناً یکی دو ورق پاره را هم اجیر می‌نمایند و برای پیش بردن مبارزه، این ارادل را به جان مردم انداخته و سر تا پای ورق‌پاره‌های خود را نیز به نام دلسوزی یا عناوین دیگر، از مشت‌ی دروغ و ناسزا و تهمت پُرمی‌نمایند.<sup>۵</sup>

نمونه‌های دیگری نیز از این دست مسائل را در صورت‌مذاکرات نمایندگان مجلس هفدهم می‌توان دید. در جلسهٔ چهارم این مجلس که در روز یکشنبه چهارم خرداد ۱۳۳۱ تشکیل شد، بحث بسیار طولانی در مورد اشکالات و آسیب‌های انتخابات قم به میان آمد. براساس گزارش‌های بیان شده در این روز، فرماندار قم به عنوان بالاترین مقام اجرایی انتخابات در آن شهر در ایام انتخابات، تهدید به قتل شده بود. هم‌چنین در این شهر، حداکثر ارباب از طرف دستجات مختلف و دسته‌های دولتی با عنوان حفظ نظم در جلوی هر صندوقی وجود داشته است. در گزارش‌های موجود از مباحث این روز مجلس معلوم می‌شود که چاقوکشانی در ایام انتخابات در قم، با عربده‌کشی، شعار «زنده باد» فلان و «مرده باد تولیت» سرداده بودند.<sup>۶</sup>

در جلسهٔ هشتم این مجلس نیز بار دیگر موضوع فعالیت لمپن‌ها در انتخابات مورد توجه نمایندگان قرار گرفت. یکی از نمایندگان در این مورد گفت: «به طور کلی در اکثر حوزه‌ها، تهدید رأی‌دهندگان، یک امر عادی بوده است... تهدید در تهران بیشتر از همه‌جا بوده است». همین شخص در ادامه، مدعی است که در

۱. روزنامهٔ چهلستون، سال اول، ش: ۲۰ (۱۴ بهمن ۱۳۳۰).

۲. همانجا.

۳. همان، ش: ۲۱ (۲۱ بهمن ۱۳۳۰).

۴. همان، ش: ۲۲ (۲۸ بهمن ۱۳۳۰).

۵. همان، ش: ۲۹ (۲۵ فروردین ۱۳۳۱).

۶. مشروح مذاکرات مجلس، دورهٔ هفدهم، جلسهٔ ۲۱۲۵ (۱۳ خرداد ۱۳۳۱).





بی‌شک انتخاباتی که با این حجم گسترده از شیوه‌های لمپنی برگزار و مجلس آن افتتاح شود، عمر را به سلامت نمی‌تواند به پایان رساند؛ موضوعی که در نهایت با منحل شدن این مجلس تحقق یافت. مجلس هفدهم همان‌گونه که در تشکیل خود با تأثیرگذاری شدید فرهنگ لمپنی روبه‌رو بود، روزگار پایانی‌اش نیز چنین سرنوشتی داشت. مجلس هفدهم در دوره حیات قانونی خود با دو واقعه بسیار مهم روبه‌رو شد؛ واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. صرف نظر از چرایی و چگونگی رخداد این وقایع که مجال دیگری می‌طلبد، این دو حادثه عظیم، به خودی خود ظرفیت نقش‌آفرینی لمپن‌ها را داشت. به همین دلیل شاید سخن گزافی نباشد اگر گفته شود حوادث معاصر مجلس هفدهم تحت تأثیر شدید رواج فرهنگ لمپنی بوده است. شعبان جعفری در خاطراتش به نقش‌آفرینی خود و دیگر دوستانش در ماجرای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ اشاره می‌کند و تأکید می‌نماید: «نمی‌خواهم بگویم سی تیر را ما به وجود آوردیم ولی بیشترین تقلی‌ها را از این ور و آن ور خیابان‌ها می‌کردیم.»<sup>۱</sup> اوج حضور لمپن‌ها در این واقعه در سه روز منتهی به سی‌ام تیر بود. به گفته یکی از پژوهشگران معاصر، «اراذل و اوباش نیز در این سه روز آخر تیرماه در بین مردم تولید وحشت نموده و با عریضه‌کشی و چاقوکشی سعی می‌کردند ملت را به زانو درآورند.»<sup>۲</sup> قیام مردمی سی تیر و جو حاکم بر جامعه، به گونه‌ای بود که لمپن‌ها را هم به آن متمایل کرد و این امر با ویژگی‌های پیش‌گفته از لمپن‌ها امری معمول بود؛ همان‌گونه که عده‌ای از این گروه‌ها در همان مقطع در صف مخالفین مصدق قرار داشتند. مکی در این مورد اشاره می‌کند که در آخرین جلسه مجلس شورای ملی قبل از استعفای مصدق در تیر ۱۳۳۱، زمانی که رئیس مجلس قصد خروج داشت، «با سنگ و مشت و ناسزای مردم روبه‌رو شد. اتومبیل او را با سنگ خرد کردند و صدای «مرده باد امام جمعه لندن»، فضای اطراف را پر کرد.»<sup>۳</sup>

اهمیت نقش لمپن‌ها در قیام سی تیر را از توجّه ویژه شاه، دربار و بیگانگان به این گروه و استفاده از آن‌ها به منظور دستیابی به اهداف خود می‌توان دید. مجهز کردن چماقداران و دسته‌های ساطور به دست برخی احزاب مخالف مصدق و شرارت‌آفرینی علنی این عده در خیابان‌های شهر و آزار و اذیت مردم، تحریک آن‌ها به منظور حمله به منزل آیت‌الله کاشانی و سنگباران کردن منزل ایشان و به قتل رساندن یکی از حامیان ایشان در برابر خانه آیت‌الله، سازماندهی گروه جدیدی از لمپن‌ها که از شاه حمایت نمایند و تلاش به منظور تغییر نظر و دیدگاه افرادی هم‌چون شعبان جعفری به سمت دربار، نمونه‌هایی از این توجّه ویژه محسوب می‌شود.<sup>۴</sup> واقعه ۹ اسفند ۱۳۳۱، مصداق بارزی از استفاده دربار و بیگانگان (سفیر آمریکا) از لمپن‌ها در دامن زدن به بحران‌های اجتماعی است. در این روز و به تحریک دربار و عده‌ای از هواداران و حامیان دربار، لمپن‌های سابقه‌داری همچون شعبان جعفری با این بهانه که مصدق می‌خواهد شاه را از کشور بیرون کند، به یکباره هوادار شاه شدند و آشوبی عظیم در تهران برپا نمودند. هدف غایی این اراذل و

۱. سرشار، همان؛ ص ۱۱۱.

۲. کیا، ب.، / رتوش تاریکی (بی‌جا: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶)؛ ص ۵۹.

۳. مکی، همان؛ ص ۷۵.

۴. زاده‌محمدی، همان؛ صص ۱۴۱-۱۳۸.

اوباش، به چنگ آوردن مصدق و به قتل رساندن او بود.<sup>۱</sup> این عده که در مقابل کاخ شاه، موفق به اجرای نقشه خود نشدند، تلاش نمودند تا در منزل مصدق دست به چنین کاری بزنند، اگرچه هواداران و محافظین مصدق نیز در مقابل آن‌ها ایستادند و این ماجرا با ناکامی همراه شد.<sup>۲</sup>

استفاده از لمپن‌ها اگرچه در واقعه اسفند ۱۳۳۱ به نتیجه مطلوبی نرسید اما تجربه‌ای شد تا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به کار آید. بی‌شک در بررسی کودتا باید به دو مسئله اساسی توجه کرد؛ ارتباط مصدق و مجلس و جایگاه مجلس هفدهم در اندیشه سیاسی مصدق و سپس نقش لمپن‌ها در ناکارآمدی مجلس و در نهایت تعطیلی آن. مجلس هفدهم تنها مجلسی است که فقط با کمی بیش از نیمی از نمایندگانش افتتاح شد و بقیه انتخابات آن انجام نگرفت. تنها مجلسی است که نخست‌وزیر برگزارکننده انتخابات آن، مخدوش بودنش را اعلام کرد. تنها مجلسی است که به علت مخالفت با اعتبارنامه‌های گروه کثیری، نتوانست نصاب قانونی را برای اعلام رسمیت به دست آورد و با تصویب اعتبارنامه‌هایی که به کمیسیون تحقیق رفت، اکثریت لازم را به دست آورد<sup>۳</sup> و البته تنها مجلسی است که با استعفای پنجاه تن از نمایندگانش - ۲۵ نفر نمایندگان فراکسیون جبهه ملی و ۲۵ تن از نمایندگان دیگر<sup>۴</sup> - یعنی ۶۳٪ کل نمایندگان راه یافته به مجلس، از حد نصاب ساقط شد و زمینه انحلال آن توسط نخست‌وزیر فراهم گردید. این استعفای دسته جمعی، متأثر از رواج همان فرهنگ لمپنی بود که دامنه آن به مجلس هم کشیده شد؛ به گونه‌ای که از فروردین ۱۳۳۲ تا اواخر خرداد این سال، کشمکش‌های فراوانی بین نمایندگان طرفدار دولت و مخالفان که مورد حمایت گروه‌های لمپن هوادار هریک در خارج از مجلس نیز قرار می‌گرفتند، وجود داشت.<sup>۵</sup>

از نظر دکتر مصدق، انتخابات مجلس هفدهم، انتخابات مطلوبی نبود، چون همان اساسنامه‌ای که مجالس قبلی برپایه‌اش تشکیل شده بود، در مورد این مجلس نیز اعمال شد؛ اساسنامه‌ای که پیش از آن مورد انتقاد شدید مصدق واقع شده بود. به گفته او، از مجموع نمایندگان این مجلس، ۲۰٪ یعنی حدود ۱۶ نفر، نمایندگان واقعی ملت نبودند. او به صراحت از تخلفات و اعمال نظرها در انتخابات این مجلس سخن می‌گفت و در نهایت اینکه به‌رغم درصد بالای هوادارانی که در این مجلس داشت، آن را کانون مطمئن و قابل اعتمادی برای خود نمی‌دانست. اگرچه استعفای پنجاه نفر از نمایندگان این مجلس بهانه را برای تعطیلی آن به دست مصدق داد اما واقعیت امر، این بود که حتی پیش از این نیز او در اندیشه تعطیلی مجلس هفدهم به سر می‌برد. بر این اساس، در اندیشه مصدق، مجلس هفدهم یک نهاد قانون‌گذاری تمام عیار مطلوب او نبود، به همین دلیل، هر اقدامی که انجام داد، موجب تضعیف مجلس و البته از دست دادن پشتوانه خود بود. مجلس نیز خود را برای ساقط کردن مصدق آماده کرده بود؛ همان‌گونه که مصدق تصمیم

۱. فاطمی، سیدعباس، شعبان جعفری در آینه اسناد (تهران: جهان کتاب، ۱۳۸۰)؛ ص ۴۸.

۲. ملکی، خلیل، خاطرات سیاسی خلیل ملکی، با مقدمه محمدعلی همایون کاتوزیان (تهران: رواق، ۱۳۵۷)؛ ص ۱۰۱.

۳. سفری، همان؛ ص ۸۸۹.

۴. سیری در ۲۴ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی و دولت‌های هم‌زمان با آن، همان؛ ص ۷۸.

۵. شجیعی، همان؛ ص ۱۶۷.

به انحلال مجلس و اعلام رفراندوم داشت.<sup>۱</sup> انتخابات روزهای ۱۲ و ۱۹ مرداد ۱۳۳۲ در تهران و شهرستان‌ها به منظور دریافت نظر مردم در مورد انحلال مجلس ظاهراً به نفع مصدق تمام شد و اکثریت شرکت‌کنندگان رأی به انحلال دادند اما واقعیت امر، این بود که این اقدام، زمینه‌ساز قطعی انجام کودتای ۲۸ مرداد گردید. تمامی گزارش‌ها و اسناد باقی‌مانده، خاطرات چاپ شده و تحقیقات انجام گرفته، دلالت بر نقش پُرننگ لمپن‌ها در این کودتا دارند. در این کودتا که با مدیریت سفارت آمریکا و عناصر داخلی صورت پذیرفت، حدود سه، چهار هزار نفر لمپن با عریده‌کشی و چاقوکشی، مرده باد و مرگ گفتن‌ها، شکستن‌ها و تخریب‌ها و با چوب و چماق و آتش کشیدن‌ها و انواع ولنگاری و بداخلاقی، موفق شدند در روز ۲۸ مرداد، کنترل تهران را به دست گیرند و در پایان این روز، دیگر نه از مصدق مدعی حکومت ملی، اثری باقی بگذارند و نه از مجلس که عصاره و ثمره تلاش چنددهه‌ای مردم ایران بود.<sup>۲</sup>

کودتای ۲۸ مرداد را باید کودتای لمپن‌ها علیه مصدق و مجلس دانست؛ کودتایی که پیامدی جز تشدید حاکمیت فرهنگ لمپنی به همراه نداشت. اگرچه مجلس هفدهم دو، سه روزی قبل از کودتا با جوانمرگی عملاً ساقط شده بود اما مخالفت‌هایی که از سوی رجل دینی - سیاسی و از جمله آیت‌الله کاشانی با تعطیلی آن شده بود، این امید را هم‌چنان زنده نگاه می‌داشت که مجلس پایدار بماند، اما سرنوشت این مجلس، این‌گونه بود که قربانی فرهنگ لمپنی باشد. نکته قابل توجه اینک تدابیر این مجلس برای رفع این فرهنگ نیز جوابگو نشد. دقیقاً یک سال قبل از آنکه مجلس با آن رفراندوم و سپس اغتشاش آفرینی و کودتای لمپن‌ها عملاً ساقط شود، همین مجلس، لایحه قانونی مجازات حمل چاقو و انواع دیگر سلاح سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی را در ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ به تصویب رسانده بود<sup>۳</sup> اما خود در نهایت، قربانی همین موضوع شد. کودتای ۲۸ مرداد اگرچه عرصه جولان افرادی همچون طیب، رمضان یخی و دیگران بود اما سهم شعبان جعفری بیش از دیگران به نظر می‌رسید. به همین دلیل، او بعد از کودتا، به صورت یکی از چهره‌های مطرح روز درآمد و به القابی همچون «سیف‌الاسلام تاج‌بخش» ملقب گردید.

ترویج فرهنگ لمپنی نه تنها در تهران بلکه در دیگر شهرها نیز بلای جامعه ایران و آسیب انتخابات بود. یکی از مهم‌ترین حوادث متأثر از چنین فرهنگی را می‌توان در شهر کوچک ملایر و در روز نوزدهم مرداد ۱۳۳۲ دید. اسناد باقی‌مانده از ماجرای مورد نظر نشان می‌دهد که در این روز در مقابل فرمانداری ملایر و به تحریک شهردار این شهر، به روی زارعینی که از روستاهای اطراف آمده بودند، آتش گشوده شده و جوانی به نام حسن که همراه با پدرش به نام توفان غفاری از روستای داویجان جوراب جوزان تا ملایر آمده بود، به قتل رسیده است.<sup>۴</sup> این مسئله به گونه‌ای موجب برهم خوردن امنیت منطقه گردید و به تبع آن،

۱. سیری در ۲۴ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی و دولت‌های هم‌زمان با آن، همان؛ ص ۸۲.

۲. زاده‌محمدی، همان؛ صص ۱۸۹-۱۶۴.

۳. سیری در ۲۴ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی و دولت‌های هم‌زمان با آن، همان؛ ص ۸۱.

۴. نک: اسناد شماره ۱ و ۲.

دستورهای ویژه‌ای به منظور اعزام نیرو برای مقابله با مشکلات و نیز اعزام فرماندهانی ارشد برای رفع بحران صادر شد.<sup>۱</sup>

به این ترتیب می‌توان اذعان نمود که مجلس هفدهم نه تنها در انتخابات و تشکیل خود با مشکلات متأثر از عملکرد لمپن‌ها روبه‌رو بود بلکه در پایان کارش نیز آسیب ناشی از فرهنگ لمپنی را تجربه کرد و از این بابت، خسارات سنگینی را تحمل نمود که اصل نظام مشروطه و استقلال مجلس و اختیارات نمایندگان را مورد تهدید قرار داد. مجلس هفدهم سرانجام در ۲۸ آبان ۱۳۳۲ به فرمان شاه منحل شد. اگرچه از ماه‌ها قبل، اثری از وجود مجلس هفدهم نبود و به‌رغم درخواست‌های مکرر نمایندگان مبنی بر افتتاح مجدد، زاهدی حاضر به راه‌اندازی آن نشد زیرا ترجیح می‌داد نمایندگانی به مجلس بفرستد که تسلیم دولت باشند.<sup>۲</sup>

### لمپن‌ها و مجلس هجدهم شورای ملی

هجدهمین مجلس شورای ملی پس از برگزاری یک انتخابات کاملاً متفاوت با تمام انتخابات‌های پیشین و حرف و نقل‌های فراوان و پس از یک وقفه هفت‌ماهه، در ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ شروع به کار کرد و در ۲۶ فروردین ۱۳۳۵ رسماً به پایان رسید.<sup>۳</sup> در بررسی نقش لمپن‌ها در مجلس هجدهم، اساس بحث بر چگونگی برگزاری انتخابات و پیدایش این مجلس، متمرکز خواهد بود. زیرا پس از کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت دوباره شاه به قدرت، بار دیگر استبداد خاندان پهلوی، بر مجلس و کشور حاکم شد. از غروب ۲۸ مرداد و موفقیت اراذل و اوباش در ساقط کردن دولت دکتر مصدق و بازگرداندن شاه، لمپن‌ها در قالب نیروهای وفادار به شاه و رژیم، سازماندهی شدند و از تشویق‌ها و هدایای دربار بهره‌مند گردیدند. هم‌چنین نمایندگان راه‌یافته به این مجلس اساساً ندایی در مخالفت با وضعیت موجود سر نمی‌دادند که برای سرکوب آن‌ها از چماق لمپن‌ها استفاده شود. لذا برای بررسی نقش لمپن‌ها در این مجلس، ترسیم نقش آن‌ها در انتخابات، کافی به نظر می‌رسد.

انتخابات مجلس هجدهم با پایان دوره قانونی مجلس هفدهم، در آبان ماه ۱۳۳۲ کلید خورد؛ اگرچه چند ماهی بود که مجلس قبلی تعطیل شده بود. فضای تبلیغاتی و تدابیر دولت کودتا برای برگزاری انتخابات، به گونه‌ای بود که در همان زمان، اعتراض آیت‌الله کاشانی و نامه‌نگاری ایشان به سازمان ملل را به همراه داشت. ایشان در این نامه تأکید می‌کند:

هیچ وقت وضعیت مملکت ایران به این اندازه، اسفانگیز و دلخراش نبوده ... در همین شرایط، دزدان و جانیان و عناصر بدسابقه و نوکران استعمار خارجی، در کمال وقاحت و به زور سرنیزه به عنوان نماینده ملت، به مردم بی‌پناه این مملکت تحمیل می‌شوند.<sup>۴</sup>

وی هم‌چنین در پیامی دیگر در خصوص این انتخابات تأکید می‌کند:

۱. نک: اسناد شماره ۳ و ۴.

۲. فاطمی، همان؛ ص ۹۱.

۳. سیری در ۲۴ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی و دولت‌های هم‌زمان با آن، همان؛ ص ۸۴.

۴. گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا (روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت) (قم: دارالفکر، بی‌تا)؛

صص ۴۴-۴۳.

وای بر آن وقتی که قانون اساسی را چنان که تصمیم گرفته‌اند، تغییر دهند و انتخابات را بر سرنیزه پیش برند و دزدان و شیادان طرفدار دیکتاتوری را به کرسی وکالت بنشانند و مجلس سنا را از اشخاص فاسد تشکیل بدهند.<sup>۱</sup>

ایشان در نامه‌ای دیگر خطاب به زاهدی نیز تأکید می‌نمایند:

به طوری که معروف و مشهور در نزد همه کس است، دستگاه دولت، مشغول تهیه مقدماتی است که انتخابات دوره هجدهم را به طور فرمایشی و لیستی انجام دهد. این عمل، گذشته از اینکه برخلاف قانون و حقوق ملت و نافی مصلحت مملکت و شخص جنابعالی است، به طوری که تجربه نشان داده، دولت‌هایی که در انتخابات مداخله کرده، جز بدنامی استفاده نموده‌اند.<sup>۲</sup>

رژیم برای تدارک چنین فضایی از فردای کودتا دست به اقدام زده بود. دستگاه مخوف فرمانداری نظامی را به کار گرفته و عده زیادی را به زندان انداخته و گروهی را نیز به جوخه اعدام سپرده بود.<sup>۳</sup> درواقع، رژیم شاه - زاهدی در نظر داشت با اعمال چنین رفتاری و پس از هفت ماه اعمال جو ترور و وحشت و خفقان پس از کودتا، انتخابات دوره هجدهم را در محیطی آرام برگزار کند.<sup>۴</sup> لذا پس از موفقیت‌های اولیه در برنامه‌های از پیش آماده خود، شروع به انجام دادن انتخاباتی کاملاً سفارشی و قابل اطمینان و اعتنا نمود که اکثریت کرسی‌های مجلس شورای ملی و سنا را نصیب سرسپردگان خود و جیره‌خواران استعمار نماید.<sup>۵</sup> به همین دلیل حتی به اسناد و شواهد فراوانی که توسط نهضت مقاومت ملی بعد از انتخابات به منظور اثبات تخلفات و تقلب‌های انتخاباتی ارائه شد، وقعی ننهاد؛<sup>۶</sup> گویا اینکه هیچ تخلفی به‌ویژه از نوع لمپنی آن صورت نگرفته است.

گزارش‌های هندرسن، سفیر آمریکا در ایران، نشان می‌دهد که رایزنی‌های متعددی بین شاه و سفارت آمریکا در مورد چگونگی برگزاری این انتخابات صورت پذیرفته است. در این مذاکرات یا شخصاً شاه طرف صحبت بوده و یا وزیر دربار. در یکی از این دیدارها، شاه، انتخابات «تحت نظارت» را مطمئن‌ترین راه برای تأمین استقلال دموکراتیک در ایران می‌داند.<sup>۷</sup> لذا به این منظور، دو کار مشخص صورت پذیرفت. ابتدا دقت در تهیه لیست نامزدها و حذف کاندیداهای احتمالی که منطبق بر این سیاست نباشند و سپس استفاده از لمپن‌ها به منظور زمینه‌سازی برگزاری چنین انتخاباتی. بخش اول قضیه در یک فضای کاملاً محرمانه و سری صورت گرفت و تنها اسناد باقی مانده، نشانگر آن است. اما اقدامات اراذل و اوباش، آن‌چنان مشهود بود که خوراک تبلیغاتی خبرگزاری‌های متعددی شد. بی‌شک حرکت انتخاباتی مجلس هجدهم که مبتنی بر این دو بال بود، منجر شد تا در مورد آن گفته شود:

۱. گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، همان؛ ص ۷۲.

۲. همان؛ ص ۱۹۱.

۳. نجاتی، غلامرضا، ماجرای کودتای سرلشکر قرنی (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳)؛ ص ۹.

۴. همو، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱ (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، چاپ سوم)؛ ص ۱۱۵.

۵. نجمی، از سیدضیاء تا بازرگان، همان؛ ج ۲، ص ۱۴۹۷.

۶. نجاتی، ماجرای کودتای سرلشکر قرنی، همان؛ ص ۱۹.

۷. همان؛ ص ۱۵.

انتخابات و درحقیقت انتصابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی و دوره دوم مجلس سنا، خاطرات مجالس زمان رضاشاهی را زنده کرد و محمدرضا که در آتش اشتیاق - به جای پدر و مانند پدر - فرمانروایی و دیکتاتوری کردن می‌سوخت، اینک زمانه به کامش بود و قصد انجام انتخاباتی را داشت که به عنوان نخستین گام، حکومت در لوای سلطنت، مستحکم و نمونه باشد.<sup>۱</sup>

اجرای این سیاست، یک بازوی اجرایی می‌خواست که تجربه موفق استفاده از لمپن‌ها در واقعه کودتای ۲۸ مرداد، رژیم را به استفاده دوباره از این عده متوجه نمود. در واقع، در این شرایط، اراذل و اوباش، میدان‌داران اصلی انتخابات و اطلاعیه‌دهندگان به مردم بودند. به همین دلیل، درنهایت، انتخابات مجلس هجدهم به نام «انتخابات شعبان بی‌مخ» نامیده و معروف شد.<sup>۲</sup> در این مرتبه جدید، لمپن‌ها دیگر، اراذل و اوباش بی‌سازمانی نبودند که عده‌ای به دنبال یک سیاست و عده‌ای دیگر دنباله‌رو سیاست دیگری باشند. اقدام شعبان جعفری در تشکیل «جمعیت جوانمردان جانباز»<sup>۳</sup>، تمامی اراذل و اوباش را در قالب این تشکیلات و در راستای اهداف و خواسته‌های رژیم قرار داده بود. این تشکیلات، برنامه منسجمی برای انتخابات دوره هجدهم از قبل از برگزاری آن و در روز برگزاری ترتیب داده بود. تنظیم و انتشار اعلامیه‌ها و به اصطلاح تشویق مردم به حضور در انتخابات و انتخاب بهترین گزینه (!)، سرخط اصلی این اعلامیه‌ها بود. در یکی از این اعلامیه‌ها آمده است:

مجلس، جای کسی است که در مرحله اول به زهد و دیانت معروف و وارد در سیاست و در شاه‌دوستی، میهن‌پرستی، شهامت، رشادت و اخلاق، امتحانات لازم را در طول عمر داده و هرگز برای او انحرافی رخ نداده باشد.<sup>۴</sup>

شعبان جعفری در خاطراتش با صراحت تأکید می‌کند که من برای آن انتخابات خیلی زحمت کشیدم.<sup>۵</sup> کشیدم. این عده حتی به اصطلاح به منظور صیانت از انتخابات، سازمانی با عنوان «سازمان نظارت بر انتخابات» ترتیب دادند که عده‌ای چاقوکش و پهلوانان زورخانه‌های تهران به میدان‌داری شعبان بی‌مخ و امیر موبور و عشقی در آن جولان می‌کردند.<sup>۶</sup> تشکیلاتی که شعبان جعفری به راه انداخت، بیشترین نقش را را در روز انتخابات مجلس هجدهم ایفا نمود؛ به گونه‌ای که در موردش گفته شده: شعبان جعفری ... نقش برجسته‌ای را در انتخابات مجلس بازی کرد و از راه سازمان دادن گروه‌هایی از مردم، رأی‌دهندگان را مورد حمله و ارباب قرار می‌داد.<sup>۷</sup> گزارش‌های دقیقی از عملکرد «جمعیت جوانمردان جانباز» در اسناد موجود است که نشانگر و مؤید نظر شعبان جعفری است که مدعی شده زحمت زیادی برای این انتخابات کشیده

۱. سفری، همان؛ ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. نجاتی، همان؛ ص ۱۹.

۳. زاده‌محمدی، همان؛ ص ۱۹۹.

۴. فاطمی، همان؛ صص ۹۱-۹۲.

۵. سرشار، همان؛ ص ۱۸۶.

۶. رهبر، همان؛ ص ۲۲.

۷. سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ج ۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸)؛ ص ۱۹.

است. در اسناد نهضت مقاومت ملی، گزارش‌هایی از برخی حوزه‌های انتخاباتی که مورد تعرض این گروه قرار گرفته، سخن به میان آمده است که چکیده آن را می‌توان به صورت ذیل به نمایش گذاشت.<sup>۱</sup>

نام حوزه	عملکرد لمپن‌ها در این حوزه
مسجد شیخ هادی	حضور مستمر اوباش با اتوبوس جهت رأی دادن، آوردن دهقانان خارج شهر به این حوزه برای رأی دادن، خرید رأی از قرار هر رأی ۲۰ ریال و حضور یکی از سردسته‌های اراذل به نام حسن عرب؛ نتیجه این اعمال، تخلفات آراء بود.
دروازه قزوین	تفتیش رأی‌دهندگان و مضروب کردن آن‌ها و پاره نمودن برگه رأی و شناسنامه‌هایشان، باز کردن آراء و پاره کردن آرائی که نام افرادی غیر از افراد مورد نظر خودشان بر روی آن بود. حضور یکی از اراذل معروف به نام محمود مسگر به همراه پسرش و رضا توپچی برای ارباب مردم.
مسجد سجّاد	فعالیت اراذل منسوب به حزب سومکا و ایجاد مزاحمت برای رأی‌دهندگان.
نظام‌آباد (صفا)	کنترل شدید اراذل به رهبری بیوک صابری.
کارخانه گود رند	کنترل اوباش فدائیان شاه - میهن بر این حوزه و مضروب کردن و توقیف برخی از رأی‌دهندگان.
صندوق جابری	حضور اوباش به سرپرستی علی یخی، ایلخانی و عرب شاه‌آبادی و کنترل آراء مردم.
مدرسه صدر	حضور عربده‌کشانه اوباش به رهبری حسین قصاب، جهانگیر چاقوکش و حسین کلانتر در این حوزه و ضرب و شتم برخی رأی‌دهندگان، سرکشی شعبان جعفری و کنترل رأی مردم.
پارک شهر	حضور شعبان جعفری به همراه عده‌ای از اوباش و تفتیش جیب و رأی شرکت‌کنندگان و نیز رأی دادن کسانی که رأی خود را فروخته بودند.
مسجد فخریه	خرید رأی، حضور اوباش به رهبری مجیدی چاقوکش، سرکشی‌های مستمر شعبان جعفری.
مسجد سلسبیل	سرکشی‌های شعبان جعفری.
مسجد جامع فتح‌الله	حضور شعبان جعفری، رأی دادن افرادی که رأی خود را فروخته بودند.
مسجد کاظمیه	سرکشی‌های شعبان جعفری.
مسجد اخوی	کنترل رأی‌ها توسط عده‌ای از اراذل، ایجاد مزاحمت برای مردم.
کافه شهرداری	سرکشی‌های شعبان جعفری، حضور و رأی دادن ۳ دستگاه اتوبوس شامل کسانی که رأی خود را فروخته بودند.

به این ترتیب، غروب بیستم اسفند ماه ۱۳۳۲ که انتخابات به پایان می‌رسد، اگرچه برای مجلس و نظام مشروطه ایران روز غمباری بود اما برای لمپن‌ها به رهبری شعبان جعفری، روزی خاطره‌انگیز و موفقیتی عظیم محسوب می‌شد. کنت لاو<sup>۲</sup> خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز این موضوع را به خوبی گزارش نموده است:

۱. حدیث مقاومت (تهران: انتشارات نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۵)؛ صص ۷۷-۷۵، ۸۲ و ۴۹۴.

2. Kennett Love.

پس از طی سه روز خوشونت‌بار و قانون‌شکنی‌ها و بی‌نظمی‌هایی که شدت و حدت آن، مردم ایران و ناظران خارجی را تحت تأثیر قرار داده بود، انتخابات مجلس در تهران، امشب پایان یافت ... از روز سه‌شنبه تا امروز صبح، کشتی‌گیر ریش سیاه سابق (شعبان جعفری) رهبری گروهی اوباش مسلح به چاقو و زنجیر را به عهده داشت. گروه او برای جستجوی رأی‌دهندگان مظنون مخالف رژیم، از یک مرکز رأی‌گیری به مرکز دیگر می‌رفتند. در صفاها جای می‌گرفتند و مظنونین را به‌شدت کتک زده و یا با چاقو مجروح می‌کردند.<sup>۱</sup>

به این ترتیب، مجلس هجدهم سازمان یافت؛ مجلسی که اساساً لغو مصوبات و دستاوردهای دولت دکتر مصدق را به عنوان برنامه اول خود در دستور کار داشت. به‌رغم اینکه در این انتخابات نیز محدود افرادی برخلاف نظر رژیم به مجلس راه یافتند اما تعداد آن‌ها به گونه‌ای نبود که بتوانند اختلالی در اهداف مجلس ایجاد کنند. علاوه بر این، لمپن‌های تحت رهبری شعبان جعفری و چاقوکشان و قداره‌بندان این عده در هر لحظه و هر مکان آماده بودند تا به اصطلاح از مجلسی که خود، ساخته بودند، دفاع کنند. حمله به دکتر حسین فاطمی در دو، سه روز پس از این انتخابات و راه‌اندازی تظاهرات و برهم زدن جو روستای احمدآباد که محل تبعید دکتر مصدق بود، نمونه‌هایی از حضور فعال لمپن‌ها در دوران حیات مجلس هجدهم به شمار می‌رود.<sup>۲</sup> اما در دوران فعالیت مجلس هجدهم و به‌رغم مصوبات کاملاً در جهت منافع استعمار و از جمله لغو کلیه مصوبات کابینه دکتر مصدق، عضویت در پیمان سنتو و نمونه‌های دیگری از این دست،<sup>۳</sup> هیچ‌گاه مخالفتی از سوی این عده صورت نگرفت. این موضوع، تأییدی بود بر اینکه آیت‌الله کاشانی پیش از این، تذکر آن را داده بود:

دولت زاهدی که اصول مسلمة قانون اساسی مملکت و مواد مصوبه منشور ملل متفق و اعلامیه جهانی حقوق بشر را زیر پا گذاشته، نمی‌تواند مظهر اراده ملت و منبعث از ملت باشد. بنابراین هر قرارداد و تعهدی را بنماید و مجلسینی که چگونگی آن ذکر شد، تصویب کند، فاقد ارزش قانونی بوده و ملت ایران خود را ملزم به احترام و اجرای آن نخواهد دانست.<sup>۴</sup>

## نتیجه

بررسی تاریخ تحولات مجلس شورای ملی نشان می‌دهد که علاوه بر تلاش دولت‌های خارجی و حاکمیت استبدادی برای کاهش اثرات وجودی این نهاد قانونی - و یا در صورت امکان، حذف آن - برخی زمینه‌های داخلی نیز در ناکارآمدی و تضعیف آن نقش مهمی داشته‌اند. از این میان، نقش لمپن‌ها، خواه به تشخیص خود و خواه به عنوان ابزاری در دست حاکمیت بسیار مهم است. این عده با ایجاد فضای رعب و وحشت و با انجام اعمال غیرقانونی، شرعی و اخلاقی، و به دلیل پایبند نبودن به هیچ اصل و قانونی، اساس و بنیان این نهاد قانونی را هدف قرار می‌دادند. مجلس هفدهم و هجدهم شورای ملی که در مقاطعی مهم و تاریخ‌ساز از تاریخ معاصر ایران تشکیل شدند، مهم‌ترین آفت و آسیبی که فراروی خود داشتند، همین

۱. نجاتی، ماجرای کودتای سرلشکر قرنی، همان؛ ص ۲۰.

۲. زاده‌محمدی، همان؛ صص ۲۰۹-۲۰۶.

۳. سیری در ۲۴ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی و دولت‌های هم‌زمان با آن، همان؛ صص ۸۵-۸۴.

۴. سفری، همان؛ ج ۲، ص ۱۳۱.



معضل تأثیرگذاری لمپن‌ها بود؛ لذا چنانچه در بررسی تحلیلی عملکرد مجالس شورای ملی با ویژگی‌های متفاوت و البته گاه متضادی در ساختار و عملکرد مجلس هفدهم و هجدهم روبه‌رو می‌شویم، بخش مهم و اساسی این موضوع را باید در نقش لمپن‌ها در آن مسائل دید.



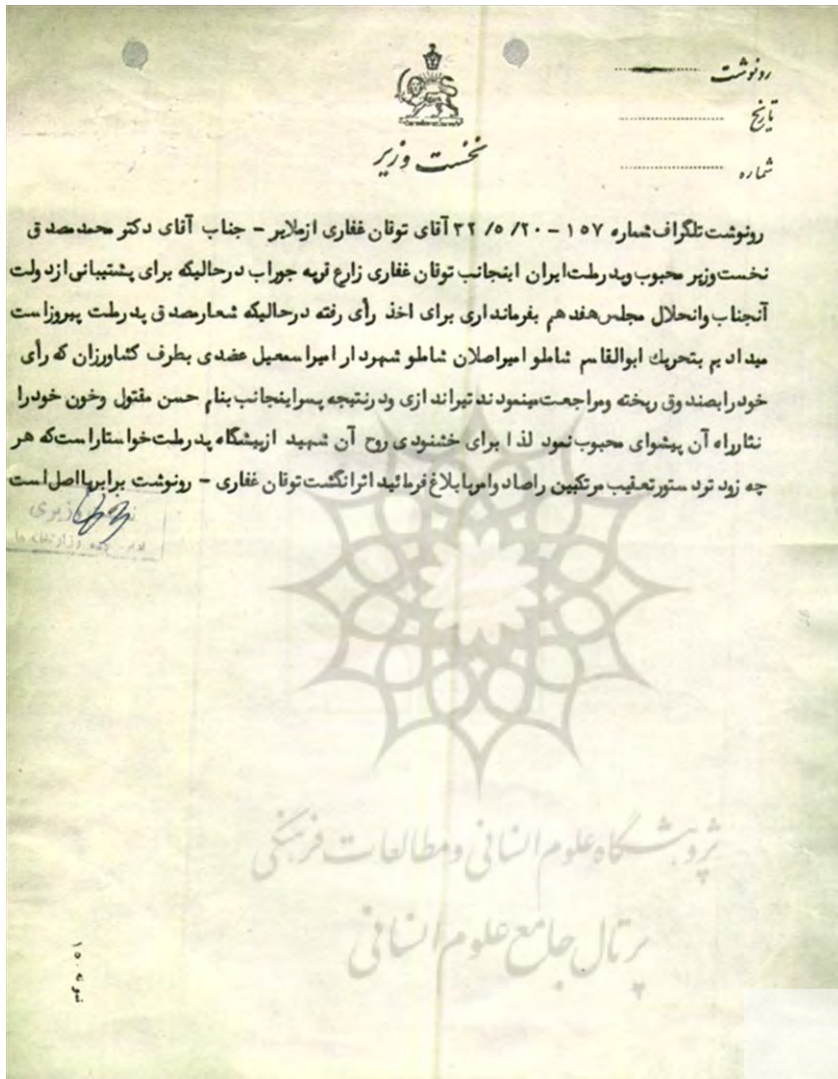


## کتابنامه

- آبراهامیان، پرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و دیگران (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹، چاپ پنجم).  
 بهنود، مسعود، *از سیدضیاء تا بختیار* (بی جا، نشر جاویدان، ۱۳۶۹، چاپ سوم).  
 حدیث مقاومت (بی جا: انتشارات نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۵).  
 روشه، گی، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، چاپ دوازدهم).  
 رهبر، سعید، *نگاهی به نهضت ملی ایران (نقد خاطرات شعبان جعفری)* (تهران: هیرمند، ۱۳۸۳).  
 زاده محمدی، مجتبی، *لومین‌ها در سیاست عصر پهلوی* (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵).  
 سپهد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ج ۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).  
 سرشار، هما، *خاطرات شعبان جعفری* (تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۱، چاپ دوم).  
 سفری، محمدعلی، *قلم و سیاست*، ج ۱ (تهران: نامک، ۱۳۷۱)؛ ص ۵۸۱.  
 سیری در ۲۴ دوره قانون گذاری مجلس شورای ملی و دولت های هم زمان با آن (بی جا: بی نا، بی تا).  
 شجیعی، زهرا، *نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانون گذاری* (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴).  
 صدی افشار، غلامحسین و نسرتن حکمی و نسترن حکمی، *فرهنگ زبان فارسی امروز* (تهران: نشر کلمه، ۱۳۶۹).  
 طلوعی، محمد، *فرهنگ جامع سیاسی* (بی جا، انتشارات علم و سخن، ۱۳۷۲).  
 عراقی، مهدی، *ناگفته ها*، به کوشش محمود مقدسی و دیگران (تهران: رسا، ۱۳۷۰).  
 فاطمی، سیدعباس، *شعبان جعفری در آینه اسناد* (تهران: جهان کتاب، ۱۳۸۰).  
 کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، چاپ پانزدهم).  
 کیا، ب.، *ارتش تاریکی* (بی جا: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶).  
 گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا (روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت) (قم: دارالفکر، بی تا).  
 مکی، حسین، *وقایع سی ام تیر ۱۳۳۱* (تهران: نشر ایران، ۱۳۶۶).  
 ملکی، خلیل، *خاطرات سیاسی خلیل ملکی*، با مقدمه محمدعلی همایون کاتوزیان (تهران: رواق، ۱۳۵۷).  
 موحد، محمدعلی، *خواب آشفته نفت؛ دکتر مصدق و نهضت ملی ایران*، ج ۱ (تهران: نشر کارنامه، ۱۳۷۸).  
 نجاتی، غلامرضا، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، ج ۱ (تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، چاپ سوم).  
 \_\_\_\_\_، *ماجرای کودتای سرلشکر قزنی* (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳).  
 نجمی، ناصر، *از سیدضیاء تا بازرگان (دولت های ایران از کودتای ۱۲۹۹ تا آذر ۱۳۵۸)*، ج ۲ (بی جا: نشر نویسنده، ۱۳۷۰).  
 \_\_\_\_\_، *خاطرات سیاسی (حوادث تاریخی ایران از شهریور ۲۰ تا مرداد ۳۲)* (بی جا: کلینی، ۱۳۷۰).

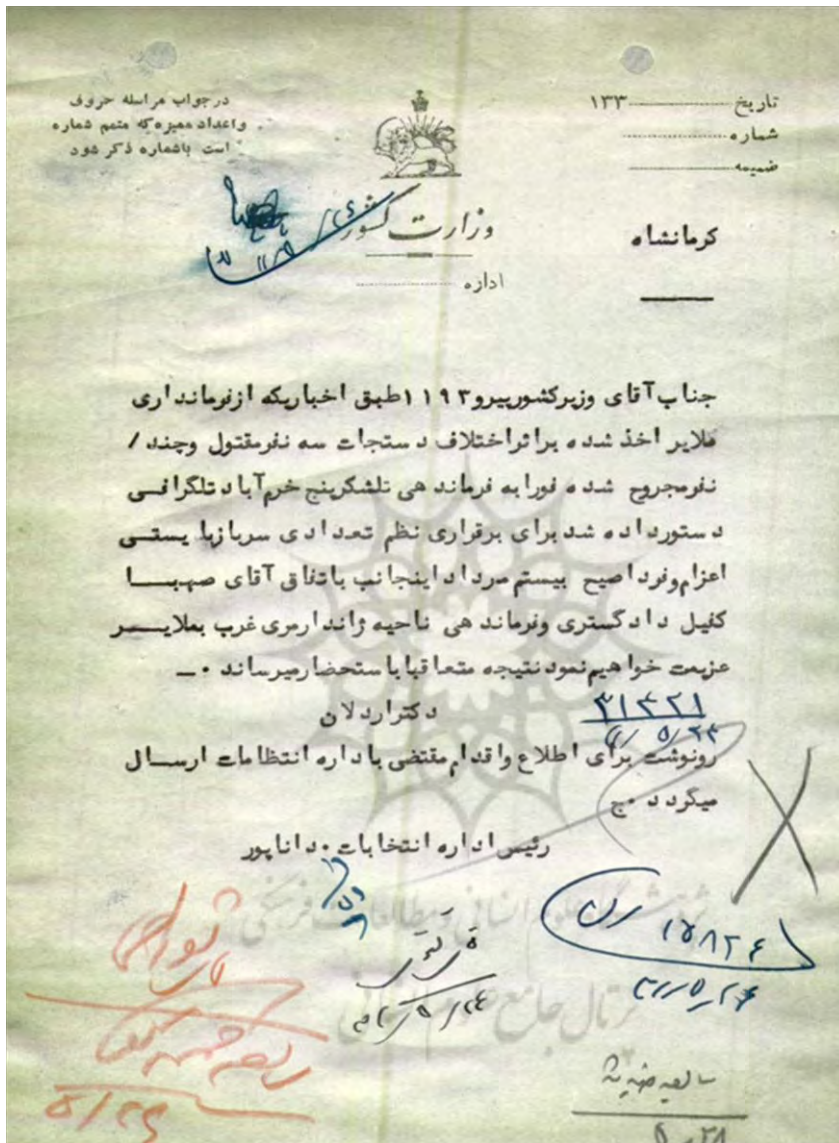
## اسناد و مطبوعات

- اطلاعات*، سال ۲۶، ش: ۷۶۹۲، ۲۶ آذر ۱۳۳۰).  
 \_\_\_\_\_، ش: ۷۶۹۷، ۲ دی ۱۳۳۰).  
 \_\_\_\_\_، ش: ۷۷۰۰، ۵ دی ۱۳۳۰).  
 \_\_\_\_\_، ش: ۷۷۸۱، ۲۰ فروردین ۱۳۳۱).  
 \_\_\_\_\_، ش: ۷۷۹۱، ۱ اردیبهشت ۱۳۳۱).  
 \_\_\_\_\_، ش: ۷۸۱۱، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۱).  
 \_\_\_\_\_، *چهلستون*، سال اول، ش: ۲۱، ۲۱ بهمن ۱۳۳۰).  
 \_\_\_\_\_، ش: ۲۲، ۲۸ بهمن ۱۳۳۰).  
 \_\_\_\_\_، ش: ۲۰، ۱۴ بهمن ۱۳۳۰).  
 \_\_\_\_\_، سال دوم، ش: ۲۹، ۲۵ فروردین ۱۳۳۱).  
 \_\_\_\_\_، *مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی*.

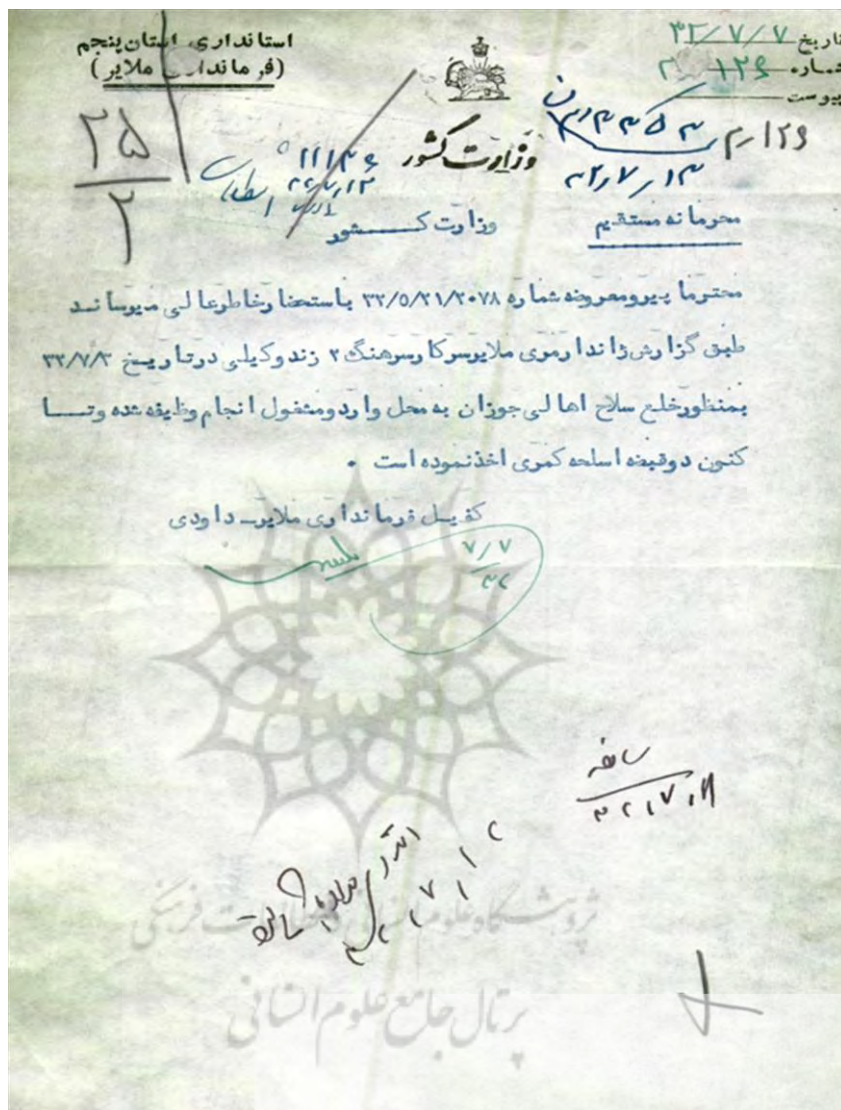


سند شماره ۱









سند شماره ۴